



معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی خطرناک‌ترین تهدید بیداری اسلامی است

اجلاس علما و بیداری اسلامی صبح دیروز با حضور صدها نفر از علماء، اندیشمندان، نخبگان و روحانیون برجسته جهان اسلام و با سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبر ی، آغازبه کار کرد.

رهبر معظم انقلاب در اجلاس علما و بیداری اسلامی:

معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی خطرناک‌ترین تهدید بیداری اسلامی است

اجلاس علما و بیداری اسلامی صبح دیروز با حضور صدها نفر از علماء، اندیشمندان، نخبگان و روحانیون برجسته جهان اسلام و با سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبر ی، آغازبه کار کرد.

ایشان در سخنان مهمی در این اجلاس ضمن آسیب شناسی نهضت های بیداری اسلامی در شمال آفریقا و منطقه، از پنج منظر لزوم "حفظ مرجعیت پایگاه‌های دینی"، "ترسیم هدف بلند مدت"، "پرهیز از تجربه تلخ دل خوش کردن به وعده های غرب"، "هوشیاری در قبال توطئه ایجاد درگیری خونین فرقه ای، مذهبی و قومی" و "فراموش نکردن موضوع فلسطین به عنوان شاخص اساسی و محک نهضت ها"، تاکید کردند: "ایستادگی بر سر اصول اسلامی" و "حضور مردم در صحنه"، دو عامل اصلی و کلیدی است که موجب خنثی شدن همه توطئه ها، ترفندها و مکر دشمنان خواهد شد.

متن کامل سخنان رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا محمد المصطفى و آله الأطيبين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين

به شما میهمانان عزیز خوشامد می گویم و از خداوند عزیز و رحیم می خواهم که به این تلاش جمعی برکت دهد و آن را گام مؤثری در جهت بهروزی مسلمانان سازد. "اته سمیع مجیب".

موضوع #171: «بیداری اسلامی» که شما در این اجلاس به آن خواهید پرداخت، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده شگرفی است که اگر به اذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم اندازی نه چندان دوردست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند.

آنچه امروز در برابر چشم ما است و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمی تواند آن را انکار کند، آن است که اکنون اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است و نگاه تازه‌ای را در عرصه زندگی و سیاست و حکومت و تحولات اجتماعی عرضه می کند؛ و این در دنیای کنونی که پس از شکست کمونیزم و لیبرالیسم، دچار خلأ عمیق فکری و نظری است، پدیده‌ای مهم و پرمعنی به شمار می رود. این نخستین اثری است که حوادث سیاسی

و انقلابی در شمال آفریقا و منطقه عربی، در مقیاس جهانی

بر جای گذاشته است و خود مبشر حقایق بزرگتری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

بیداری اسلامی که سخنگویان جبهه استکبار و ارتجاع حتی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز می کنند و می ترسند، حقیقتی است که اکنون تقریباً در سراسر دنیای اسلام می توان نشانه های آن را دید. بارزترین نشانه آن، اشتیاق افکار عمومی و به ویژه در قشرهای جوان، به احیاء مجد و عظمت اسلام و آگاه شدن آنان از ماهیت نظام سلطه بین المللی و آشکار شدن چهره وقیح و ستمگر و مستکبر دولت ها و کانون هائی است که بیش از 200 سال شرق اسلامی و غیراسلامی را در زیر پنجه های خونین خود فشرده و با نقاب تمدن و فرهنگ، هستی ملت ها را دستخوش قدرت طلبی بیرحمانه و تجاوزگرانه خود کرده اند.

ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، می تواند دل ها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده به اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده های الهی، نشانه

امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید می‌دهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.

در آن هنگامه دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: ««انا راّوّه الیک و جاعلوه من المرسلین» (1) تحقق وعده اول که وعده کوچکتر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه تحقق وعده رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: ««فرددناه الی امّه کی تقرّ عینها و لا تحزن و لتعلم انّ وعد الله حق» (2). این وعده حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه دیگر، یادآوری قدرت فائقه الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است که خداوند به وسیله پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امتثال امر: ««فلیعبدوا ربّ هذا البیت» (3) به کار می‌برد و می‌فرماید: ««ألم یجعل کیدهم فی تضلیل» (4).

یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده: ««ما ودّعک ربّک و ما ّقلی» (5) از یادآوری نعمت معجزگون: ««ألم یجدک یتیمًا فأوی. و وجدک ضالّا فهدی» بهره می‌گیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید و فرا رسید.

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف می‌کنند، همه در سایه‌اعتماد به وعده‌الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه ضعفائی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: ««المدرکون» (6) سر می‌دادند، نهیب زده‌اند که: ««کلا انّ معی ربّی سیه‌دین» (7).

امروز این تجربه‌ای گرانبها در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند.

ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده: ««و لینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقویّ عزیز» (8) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

اکنون در این جلسه مهم که جمعی از علمای امت از کشورها و مذاهب گوناگون اسلامی در آن حضور یافته‌اند، شایسته می‌دانم به بیان چند نکته لازم در مسائل بیداری اسلامی بپردازم:

اولین مطلب آن است که نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه که همزمان با آغاز ورود پیشقراول‌های استعمار آغاز شد، غالباً به وسیله علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد. نام رهبران و شخصیت‌های برجسته چون سیدجمال‌الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل‌الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و ده‌ها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و متنفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است.

در دوران معاصر هم نام درخشان ««امام خمینی» عظیم چون ستاره‌پرفروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران می‌درخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیرمعروف نیز، امروز و دیروز، نقش‌آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده‌اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غیرروحانی همچون حسن‌البناء و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب‌انگیز است.

روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامه تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزش‌های اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی می‌کنند این مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطب‌های جدیدی برای آن بتراشند که به تجربه دریافته‌اند که با آنان می‌توان بر سر اصول و ارزش‌های ملی به راحتی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

این، وظیفه عالمان دین را سنگین‌تر می‌کند. آن‌ها باید با هوشیاری و دقت فراوان و با شناخت شیوه‌ها و ترفندهای فریبنده دشمن، راه نفوذ را به کلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند. نشستن بر سفره رنگین متاع دنیا، از بزرگترین آفت‌ها است. آلوده شدن به صله و احسان صاحبان زر و زور و نمک‌گیر شدن در برابر طاغوت‌های شهوت و قدرت، خطرناک‌ترین عامل جدائی از مردم و از دست دادن

اعتماد و صمیمیت آن‌ها است. منیت و قدرت‌طلبی که سست‌عنصران را به گرایش به سوی قطب‌های قدرت فرا می‌خواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً و العاقبة للمتقين» (9).

امروز در دوران حرکت‌های امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه‌هایی دیده می‌شود که نمایشگر تلاش عمده آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیت‌های فکری نامطمئن از یک سو و تلاش قارون‌های شهوتران برای کشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلوده خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین‌مدار، باید به شدت مراقب و دقیق باشند.

دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه متعالی و والائی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که می‌توان نقشه راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود.

این هدف نهائی نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگوئی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.

تجربه نشان داده است که این‌ها همه، کارهای ممکن و در دسترس توانائی‌های جوامع ما است. نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدینی به توانائی‌های خود، کفران نعمت الهی است؛ و غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه: «الظالمین بالله ظنّ السوء» (10) است. ما می‌توانیم حلقه انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم.

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غرنبد، باشد.

مطلب سوم آن است که در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولت‌های مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه این عرصه‌ها برخوردار بود.

این سخن را نباید به معنی دشمنی با غرب دانست. ما با هیچ گروهی از انسان‌ها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه‌السلام) آموخته‌ایم که در باره انسان‌ها فرمود: «إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (11) ادعایمانه ما، علیه ظلم و استکبار و تحکم و تجاوز و فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرت‌های استعماری و استکباری بر ملت‌های ما وارد شده است. هم‌اکنون نیز تحکیم و دخالت‌ها و زورگوئی‌های آمریکا و برخی دنباله‌روانش در منطقه را در کشورهایی که نسیم بیداری در آن‌ها به طوفان قیام و انقلاب بدل شده است، مشاهده می‌کنیم.

وعده‌ها و وعیدهای آنان نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آن‌ها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده و رکون به ظالم را مبنای مشی و سیاست خود ساختند، نتوانستند گره ای از کار ملت خود بکشایند، یا ستمی را از خود یا دیگران برطرف کنند. آن‌ها با تسلیم در برابر آمریکا نتوانستند از ویرانی حتی یک خانه فلسطینی در سرزمینی که متعلق به فلسطینیان است، جلوگیری کنند. سیاستمداران و نخبگانی که فریفته تطمیع یا مرعوب تهدید جبهه استکبار شوند و فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست دهند، باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفراً و احلوا قومهم دار البوار. جهنم يصلونها و بئس القرار» (12).

نکته چهارم آن است که امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به ویژه در منطقه عربی، با جد و اهتمام

دنیال می‌شود و پولی که می‌توانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمب‌گذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت می‌گردد. آن‌ها که قدرت یکپارچه اسلامی را مانع هدف‌های خبیث خود می‌دانند، دامن‌زدن به اختلاف‌ها در درون امت اسلامی را آسانترین راه برای مقصود شیطانی خود یافته‌اند و تفاوت‌های نظری در فقه و کلام و تاریخ و حدیث را - که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است - دستاویز تکفیر و خونریزی و فتنه و فساد ساخته‌اند.

نگاه هوشمندانه به صحنه درگیری‌های داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها به روشنی نشان می‌دهد. این دست غدار، بی‌شک از جمل‌ها و عصبیت‌ها و سطحی‌نگری‌ها در میان جوامع ما بهره‌برداری می‌کند و بر روی آتش، بنزین می‌ریزد. وظیفه مصلحان و نخبگان دینی و سیاسی در این ماجرا بسیار سنگین است.

اکنون لیبی به گونه‌ای، مصر و تونس به گونه‌ای، سوریه به گونه‌ای، پاکستان به گونه‌ای و عراق و لبنان به گونه‌ای درگیر یا در معرض این شعله‌های خطرناکند. باید به شدت مراقب و در پی علاج بود. ساده‌اندیشی است که این همه را به عوامل و انگیزه‌های عقیدتی و قومی نسبت دهیم. تبلیغات غرب و رسانه‌های منطقه‌ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود می‌کنند و حاشیه امنی برای صهیونیست‌ها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می‌آورد. این در حالی است که دو طرف نزاع در سوریه، نه سنی و شیعه، بلکه طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آنند. نه دولت سوریه یک دولت شیعی، و نه معارضه سکولار و ضد اسلام آن یک گروه سنی‌اند. تنها هنر گردانندگان این سناریوی فاجعه‌آمیز آن است که توانسته‌اند از احساسات مذهبی ساده‌اندیشان در این آتش‌افروزی مهلك استفاده کنند. نگاه به صحنه و دست‌اندرکاران سطوح مختلف آن، می‌تواند مساله را برای هر انسان منصفی روشن کند.

این موج تبلیغات در مورد بحرین نیز به گونه‌ای دیگر به دروغ و فریب سرگرم است. در بحرین، اکثریتی مظلوم که سال‌های متمادی است از حق رأی و دیگر حقوق اساسی یک ملت، محرومند، به مطالبه حق خود برخاسته‌اند. آیا چون این اکثریت مظلوم شیعه‌اند و حکومت جبار سکولار، متظاهر به سنی‌گری است، باید این را نزاع شیعه و سنی دانست؟ استعمارگران اروپائی و آمریکائی و همپایه‌های آنان در منطقه البته می‌خواهند چنین وانمود کنند، ولی آیا این حقیقت است؟

این‌ها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تأمل و دقت و احساس مسئولیت فرا می‌خواند و شناختن هدف‌های دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض می‌سازد.

نکته پنجم آن است که درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مساله فلسطین جستجو کرد. از 60 سال پیش تاکنون داغی‌بزرگتر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. فاجعه فلسطین از روز اول تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است. وجوب ایستادگی و مبارزه در برابر این دشمن حربی و غاصب، مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی و محلّ اجماع همه جریان‌ات صادق و سالم ملی بوده است. هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه دینی و ملی را به ملاحظه خواست تحکیم‌آمیز آمریکا یا به بهانه توجیه‌های غیرمنطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن‌دوستی به او نگریسته شود. این یک محك است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه برد و به جبهه مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.

میهمانان عزیز! برادران و خواهران!

کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید. غفلت ما برای دشمنان ما فرصت‌آفرین است. درس علی(علیه‌السلام) به ما این است که: «من نام لم ینم عنه". (13) تجربه ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیز عبرت‌آموز است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت‌های مستکبر غربی و آمریکا که مدت‌های مدید پیش از آن، طاغوت‌های ایرانی را در مش‌خود گرفته و سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورمان را رقم می‌زدند و نیروی پر قدرت ایمان اسلامی در درون جامعه را دست‌کم گرفته و از توان بسیج و هدایت اسلام و قرآن بی‌خبر مانده بودند، ناگهان به غفلت خود پی بردند و دستگاه‌های حاکمیتی و سرویس‌های اطلاعاتی و اتاق‌های فرمان آنان به کار افتادند تا شکست فاحش خود را جبران کنند.

انواع توطئه‌ها و ترفندها را در این سی‌وچند سال از آنان دیده‌ایم. چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است: ایستادگی بر سر اصول اسلامی و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به وسیله ایمان صادقانه به وعده‌ی الهی و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین می‌شود. ملتی که صدق و صمیمیت پیشوایان را باور کند، صحنه را از حضور پر برکت خود رونق می‌بخشد و هر جا که ملت با عزم راسخ در صحنه بماند، هیچ قدرتی توان شکست دادن آن را نخواهد داشت. این تجربه موفق برای همه ملت‌هائی است که با حضور خود بیداری اسلامی را رقم

زدند.

از خداوند متعال هدایت و دستگیری و کمک و رحمتش را برای شما و همه‌ی ملت‌های مسلمان مسالت می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1- قصص: 2 7- قصص: 13

3- قریش: 4 3- فیل: 2

5- ضحی: 6 3- شعراء: 61

7- شعراء: 8 62- حج: 40

9- قصص: 10 83- فتح: 6

11- نهج البلاغه، نامه 53

12- ابراهیم: 28 و 29

13- نهج البلاغه، نامه 62

استقبال گسترده میهمانان از مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری پس از سخنرانی در مراسم افتتاحیه اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی مورد استقبال گسترده حاضران در این مراسم قرار گرفتند.

به گزارش ایسنا، هنگام ورود مقام معظم رهبری در جمع میهمانان اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، تجمع استقبال‌کنندگان به حدی زیاد بود که ایشان چندین بار متوقف شدند. میهمانان حاضر همگی تقاضای مصافحه با مقام معظم رهبری را داشتند.

در مراسم افتتاحیه این اجلاس علاوه بر تعداد زیادی از علمای کشورهای مختلف، برخی از مسئولان کشورمان از جمله علی‌اکبر ولایتی دبیر کل مجمع بیداری اسلامی، علی‌اکبر صالحی وزیر امور خارجه، غلامحسین محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان، محمد رضا مهدوی کنی رئیس مجلس خبرگان رهبری، ری شهری، محمد باقر خرمشاد رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات

اسلامی، مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای مجلس خبرگان رهبری، دری‌نجف‌آبادی امام جمعه اراک، حسینی وزیر ارشاد، رئیسی معاون اول قوه قضائیه، میرتاج‌الدینی معاون رئیس‌جمهوری در اجرای قانون اساسی، آیت‌الله تسخیری مشاور مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام، نمایندگان فتح و حماس در ایران، ابراهیم جعفری نخست‌وزیر پیشین عراق، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، برخی از نمایندگان مجلس و جمعی از شخصیت‌های سیاسی حضور داشتند.